

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۲۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا رب دل پاک و جان کامروز

از شب و ناله پیر کامروز

الهی بکیتای بی همتای و قیوم توانا سی و چند

المکمل فی سبک و سحر و شایسته و شایسته

نیشن استغالی الهی سپید میلزم که مباد

در راه خود اول خودم خود کن

و انکه خود در خود بخود هم

پنج سپید میلزم الهی همه از تو ترسند و عباد

از خود زیر که از تو همه نیکی آید و از عبد الله همه بد

پوسته دلم دم بهوای تو زند

جان من من پیش پای تو زند

الهی تا از مهر تو اثر آمد همه مهر ما بسزد الهی اگر

کار بجھتا را پست بر سر تاجم و اگر بگرد آرا

کر بر سر خاک من کیاسی روید

از سر بر کے بوی وفای تو زند

پیشہ و مور محتاجم الہی اگر عبداً را خواہی

کد اخست دوزخی دیگر باید آلاشش او را و اگر حوی

خواهی که سخن جان که شنوی

ایسر درونی شنش شنوی

نواخت بهشی دیگر باید آسایشش او را الهی حوین همه

آن کنی که خود خواست پس ازین سرشته چاره

کم کرد ز خویش تا تو از نیستی خود

پنودیم سینه و امانا شنوی

درجای

چه میخواستی الهی ستم بر ضعیفان به عادت کریمت

و خوار بی افتادگان نه خوی حیا نیست مارا

صد سال اگر در آتش مهل بود

آن آتش سوزنده مرا پهل بود

بحر

چنانچه آتش بریدی هما نیست الهی بقا صامحت

مسخوانی و بکبرمای غریب میرانی ندانم تا درین

بامردم نا اهل مبادت محبت

کر مر که بر صحبت نا اهل بود

میان چه میرانی کتبہ العبد المذنب محمد حسین الشیرازی عقیله



بسم الله الرحمن الرحيم



کرد از حسین لاله و رخسار ارغوان



آتش در باد و سپاه و آیه هب



الحی این چه فضیلت که باد و پستان جو و کرده که سر که ترا

شاخت ایشان را یافت و سرکه ترا یافت ایشان را سا

کزار دولت تو که دار و نسیم صد
آسوده مادم از یافت خزان

لای عاف را نیست قلم رفته راجه در مان اسپه

ایستادم را بد آموزی کرد کف قدم او را که روزی

الهی تو این شاه درویش دوست
که آسایش خلق در ظل او پست

کرد الهی ما تو در غیب بودی من همه غیب بودم چون

از غیب بدر آمدی من از غیب بدر آمدم الهی برایم

بدر آمدی من از غیب بدر آمدم الهی برایم
بدر آمدی من از غیب بدر آمدم الهی برایم
بدر آمدی من از غیب بدر آمدم الهی برایم

طاعتی که مرا عجب اندازد مبارک معصیتی که مرا

بگذر آورد الهی طالبی که گویم ره ساز نه مرا بر بوی که گویم

الهی تو این شاه صاحب مشن
که آراست سیستانی باین و امان

پا چون در اول دشتی خرفرو مگذار الهی صبری حرم

ناطری حکیم الہی اگر کار بخشار سست بر سر عمہ رحم

والکریم در پست بنشیند و مور محبت جام الهی اگر برداری و است

فقاهی فزونی از انداز و بخش

هر خط اش ممتی تازه بخش



از خود دور مکن و اگر بد و رنج و غم
پست و رسواست به جوین

یار بکمال عافیت بر دوام باد
اقبال دولت و شرفست پسندام

الطی عمه از تو رست و عباد الله
از خود دوریرا که از تو میرسد

ایده و از عهد الله مدد
دوی جان شاکر کاتب

خدا که هر کسی تقوی زند دیت

خضر تو بار رسول علیه السلام باد

الحضرت السلطان محمد حسین شیرازی
۱۲۶۵